



مصاحبه

وهاپیون کیستند؟

(مصاحبه با مدیر مؤسسه آفریقای آکادمی علوم روسیه)

در پی بروز بحران در قفقاز شمالی مسأله نفوذ «وهاپیون» در منطقه در رسانه‌های جمعی روسیه به‌طور گسترده‌ای انعکاس یافت. با توجه به این امر نشریه تریونا (۹ سپتامبر ۱۹۹۹) مبادرت به مصاحبه‌ای با آقای الکسی واسیلیف مدیر مؤسسه آفریقای آکادمی علوم روسیه و مرکز تحقیقات عربی، آفریقایی و اسلامی نموده است که به لحاظ آشنایی با نگرش مزبور مبادرت به درج این مصاحبه می‌شود.

خبرنگار: مردم روسیه هر روز خبرهای جدیدی دربارهٔ رویدادهای نگران‌کننده در داغستان دریافت می‌کنند. این دفعه همراه با اطلاعات دربارهٔ شبه‌نظامیان چچن کلمه جدید «وهاپیون» در مطبوعات به‌طور وسیعی منعکس شده است. در رسانه‌های گروهی، آنها را عوامل اصلی عملیات جنگی اخیر در شمال قفقاز محسوب می‌کنند. بالاخره آنها کیستند و این جنبش چه زمانی و چطور به‌وجود آمد؟

آکسی واسیلیف: بیش از ۳۰ سال پیش من یکی از اولین محققان روسی و خارجی بودم که در سطح علمی به مسأله وهابیت پرداختم. عنوان رساله فوق‌لیسانس من «وهابیت، اولین دولت سعودی در عربستان» بود. وهابیت اواسط قرن هیجدهم در منطقه مرکزی عربستان، در استان نجد به‌وجود آمد. وقتی که محمدابن عبدالوهاب مؤسس این جنبش مذهبی با «ابن سعود» یکی از مالکان کوچک عربستانی ائتلاف تشکیل داد، مبارزه آنها در راه ایجاد دولت واحد شروع شد. این دولت به‌وجود می‌آمد و تحت فشار دشمنان از بین می‌رفت ولی مجدداً احیا می‌شد. بالاخره مبارزه طولانی در راه تعیین سرنوشت خود به موفقیت رسید و در قرن بیستم پادشاهی عربستان در بخش اعظم شبه‌جزیره عربستان ایجاد شد.



خبرنگار: ماهیت و هابیت چیست؟

آلکسی واسیلیف: باید از آنجا شروع کنم که غیرمسلمانان اصولاً حق این قضاوت را ندارند که در اسلام چه چیزی درست است و چه چیزی درست نیست. در حقیقت امر، «وهابیت» (من معمولاً این کلمه را در گیومه می‌گذارم) به معنی احیای نسبتاً دقیق مذهب حنبلی است. کمتر کسی اطلاع دارد که در اسلام سنی چهار مکتب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی وجود دارند. حنبلیون به تندروترین مکتب تعلق دارند که غیر از قرآن و سنت نبوی، چیزی را قبول ندارند. آنها به لحاظ تاریخی مکتب خود را بر فلسفه ابن تمیمه، عالم و فیلسوف معروف سوری قرن چهاردهم استوار می‌کنند. محمدابن عبدالوهاب مخالف اشکال اسلام که در آن زمان در عربستان و امپراتوری عثمانی وجود داشتند، بود. وی بیشتر از همه با مکتب تصوف مخالفت می‌کرد که در آن وساطت قدیسان بین مسلمین و خدا وجود دارد و مراسم خاصی به نام «ذکر» برگزار می‌شود. در چچن «ذکر» به معنی یک رقص ویژه است که در جریان آن مرتباً الله ذکر می‌شود. بنیانگذار و هابیت همچنین مخالف پرستش سنگ‌ها و درختان (یعنی بازمانده‌های بت‌پرستی ماقبل اسلام) بود.

خبرنگار: فکر نمی‌کنید که اقدامات جاری و هابیون در داغستان با مبارزه در راه اسلام ناب ارتباط ندارد بلکه از مبارزه گروه‌ها و خاندانها در این جمهوری کثیرالمله شمال قفقاز سرچشمه می‌گیرد؟

آلکسی واسیلیف: جنبش‌های مذهبی که شکل زورگویانه‌ای به خود می‌گیرند، معمولاً اهداف مشخص اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی را دنبال می‌کنند. اوضاع داغستان و به خصوص تاجیکستان این واقعیت را به وضوح نشان می‌دهد. تاجیکستان دستخوش جنگ داخلی شده بود. یک گروه خود را دموکرات می‌نامیدند، گروه دوم تحت سرپرستی حزب تجدید حیات اسلام از اسلام دفاع می‌کردند (آنها را گاهی اوقات «وهابیون» می‌نامیدند) و گروه سوم خود را کمونیست می‌نامیدند. ولی در حقیقت امر، این یک مبارزه عادی بر سر قدرت بود.



خبرنگار: شما درباره گروه‌های سیاسی صحبت کردید. ولی در اسلام صوفی طریقتها به صورت چنین گروههایی وجود دارند. آیا رویارویی جاری در داغستان با روابط بین این سازمانهای حقیقی اسلامی ارتباط دارد؟

آلکسی واسیلیف: واقعاً اسلام در شمال قفقاز و در آسیای مرکزی رنگ صوفی دارد. مسلمانان زیادی که خود را مؤمن می‌دانند، به طریقتهای مشخص صوفی تعلق دارند. جنبش امام شامل که در زمان اخیر درباره آن مطالب زیادی نوشته شده، تصوفی و طریقتی بود. در شرایط کنونی داغستان، طریقتهای صوفی و گروههای غیردینی با هم همزیستی می‌کنند. برخی از ناظران معتقدند که آنها به هم پیوند خورده و به خوبی با هم مشارکت می‌کنند. علمای اسلامی با مقامات رسمی کنونی سازش می‌کنند. ولی کسانی که نتوانستند جای خود را پیدا کنند یا از فساد مالی، بی‌عدالتی و بحران ناراحت هستند، اعتراض می‌کنند.

خبرنگار: در هر حال وهابیون یا کسانی که این اسم را به خود گرفته‌اند، مشغول یک جنگ واقعی هستند. برخورد دولت با این اقدامات باید چگونه باشد؟

آلکسی واسیلیف: قدرت غیردینی باید با هر جنبشی براساس یک معیار برخورد کند و آن این است که آیا اعمال شهروندانی که به یکی از ادیان یا گروههای مذهبی وابسته هستند، با قانون مطابقت دارد و یا مغایر آن است؟ براساس این ارزیابی دولت می‌تواند به «زورگویی مشروع» (به قول ماکس وبر، فیلسوف و تاریخدان آلمانی) دست بزند ولی توسل به زور و اهانت به احساسات دینی مردم متدین با زدن برجسبهای عقیدتی به آنان، کار معقولانه‌ای نیست.

خبرنگار: فرض کنیم شورش جاری در داغستان سرکوب شد، ولی بدیهی است که خود مسأله از بین نخواهد رفت. چطور می‌توان خط میانی را پیدا کرد و وضعیتی را ایجاد نمود که بدون پایمال نمودن قوانین غیردینی موجود در روسیه، با طرفداران اصول اسلامی که در قفقاز زیاد هستند، زبان مشترک پیدا شود؟

آلکسی واسیلیف: به عقیده من، استفاده از عناصر معین شریعت در دادرسی و در



زندگی اجتماعی می‌تواند به عنوان راه‌حل این مسأله تلقی شود. در زمان شوروی در برخی از جمهوری‌های مسلمان‌نشین بعضی از موازین قانونی با توجه به آداب و رسوم ملت‌های محلی اصلاح می‌شدند. حتی برخی از موازین شرعی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

در بعضی کشورها، از جمله در جمهوری آفریقای جنوبی، به اعضای جمعیت اسلامی اجازه داده شده تا مسایل داخلی خود را براساس شریعت حل کنند. البته به شرطی که این تصمیم آزادانه طرفین باشد و این کار با قوانین دولتی مغایرت نداشته باشد. در هر حال، به نظر من باید راه‌های اجتناب از خونریزی و زورگویی را جستجو کرد. متأسفانه، اکنون احساسات خیلی داغ است. رسانه‌های گروهی به مردم اطلاعات کاذبی می‌دهند. مطبوعات و تلویزیون به برجسبهای در خور توجه نیاز دارند. آنها ادعا می‌کنند که همه وهابیون راهزن هستند و اینکه مسلمانان باید دشمن شمرده شوند.

خبرنگار: شما عربستان سعودی را به‌عنوان مهد وهابیت ذکر کردید. در حال حاضر روسیه پُراز شایعاتی شده است که همین پادشاهی ثروتمند به شبه‌نظامیان پول می‌دهد، تنفر دینی را تحریک می‌کند و گویا تلاش می‌کند مزدوران جدید را در گوشه و کنار جهان اسلام به خدمت گماشته و به داغستان بفرستد...

آلکسی واسیلیف: اکنون درباره «دست عربستان سعودی» صحبت زیادی می‌کنند. در این رابطه حتی خطاب، فرمانده چریکی را که از خاورمیانه آمده است، ذکر می‌کنند. می‌گویند که او یک وهابی اردنی است ولی این ادعاها ناشی از عدم آگاهی به واقعیت است. در اردن نوع دیگر اسلام که با اسلام سعودی فرق دارد، توسعه یافته است. در پادشاهی اردن دودمان اخلاف شریفان مکه (حکام حجاز) حکومت می‌کند که سعودی‌ها آنها را به زور از اماکن مقدسه عربستان بیرون رانند. بنابراین، شک می‌کنم که اعتقادات دینی خطاب با اعتقادات دینی سنتی وهابیون سعودی مطابقت داشته باشد.

هنوز کسی ثابت نکرده است که عربستان سعودی در این تحولات دست دارد. از سوی دیگر، جامعه سعودی هم یکپارچه نیست. بن‌لادن میلیاردر سعودی توسط ایالات متحده به



انجام عملیات تروریستی بر علیه سفارتخانه‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا متهم می‌شود. وی اکنون در افغانستان به سر می‌برد و شهروندی عربستان از او سلب شده است.

مقامات رسمی عربستان سعودی آن نوع اسلام را که او پیرو آن است، رد می‌کنند. ممکن است سازمانهای معینی با سرمایه‌های قابل توجهی وجود داشته باشند که با عربستان ارتباطی نداشته باشند.

می‌توان در این مورد بحث کرد که اوضاع انفجارآمیز داغستان به کدام یک از کشورهای همسایه کمک می‌کند یا اینکه بی‌ثباتی اوضاع شمال قفقاز تا چه حدی به طرحهای ساخت خط لوله انتقال نفت از آذربایجان به ترکیه مساعدت می‌کند. ولی برای متهم نمودن دولتها باید اسناد مشخصی را ارائه داد. اگر چنین اسنادی دریافت شوند، می‌توان این اوضاع را به گونه دیگری ارزیابی کرد.

خبیرنگار: شما به عنوان متخصص در زمینه شرق‌شناسی، اعمال مقامات روسیه در داغستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آلکسی واسیلیف: من ترجیح می‌دهم از این ارزیابی‌ها خودداری کنم. وقتی که از چنین که در عمل از روسیه جدا شده است، دسته‌های مسلح به خاک روسیه تجاوز می‌کنند، دولت باید جواب این تجاوز را بدهد. باید متجاوزین را به صورت مسلحانه نابود کرد؛ ولی من نمی‌توانم همه جزئیات سیاسی و نظامی این مسأله را مورد قضاوت قرار دهم. بالاخره جان هزاران نفر در خطر است. من به‌عنوان شهروند روسیه از این امر ناراحتم که این کشور عظیم قادر نیست نیروهای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که از این گونه تجاوزات جلوگیری کند.

خبیرنگار: قبلاً مردم ما از وجود اسلام‌گرایان در سرزمین روسیه اطلاعی نداشتند. آیا شما احتمال می‌دهید که دیر یا زود نیروهای گوناگونی در مناطق مسلمان‌نشین دیگر کشور نیز از عامل دینی به نفع خود استفاده کنند؟

آلکسی واسیلیف: اصولاً نمی‌توان این احتمال را بعید دانست. از این عامل حتماً می‌توانند استفاده کنند ولی تا به حال در گستره‌های بزرگ روسیه اشکال فوق‌العاده سیاسی



اسلام هیچ‌جا غیراز چین و چند نقطه داغستان بروز نکرده است. در کشورمان در مجموع تسامح دینی توسعه یافته است. این تسامح از اواخر قرن هیجدهم در امپراتوری روسیه وجود داشته است و نباید توسعه تربیت غیردینی را فراموش کرد. در زمان شوروی دین به هرصه امور شخصیه انتقال یافته بود. در حال حاضر رؤسای مسلمانان بیشتر اعتدال و حکمت از خود نشان می‌دهند. کلیسای ارتدوکس، رهبران سیاسی تاتارستان، باشقیرستان و برخی از جمهوری‌های شمال قفقاز از همین مواضع رفتار می‌کنند ولی آینده تا اندازه زیادی در دست ماست.

جنبش‌های افراطی دینی، واکنشی در برابر بحران هستند، نه علت بحران. من چندی پیش در مورد این مسأله در دانشگاه یهودی شهر بالتیمور (ایالات متحده) صحبت کردم و گفتم که می‌خواهم خود را «ملی‌گرای معتدل روس» بنامم. ناسیونالیسم من به آن معناست که من به فکر بهروزی، شکوفایی، توسعه و شرافت ملت خود هستم. ولی ملت روس که اکثریت را تشکیل می‌دهد، به منظور حمایت از منافع خود باید برای ملت‌هایی احترام و شکوفایی تأمین کند که در کنار آنها زندگی می‌کنند. به همین دلیل توهین به مسلمانانی که در روسیه ۱۵ میلیون نفر هستند، عاقبت خوشی نخواهد داشت. ما فقط در صورتی این مسأله را حل خواهیم کرد که به تسامح و سازش با دیگران عادت کنیم. من روسیه قبل از انقلاب ۱۹۱۷ را ایده‌آل می‌دانم؛ ولی واقعیت این است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در روسیه مناقشات بین قومی بسیار کم رخ می‌دادند. آن مرحله، مرحله رشد سریع اقتصادی کشور بود.